

سه‌شنبه • ۲۲ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۳ • ۹

شرق روزنامه

هنر

تعداد بالای ثبت‌نام داوطلبان مجلس، غیر عادی نیست	صفحه ۱۰
تعدد نامزدهای انتخاباتی چگونه ارزیابی می‌شود؟	صفحه ۱۱
پاسخی تازه برای پرسشی قدیمی	صفحه ۱۲

تماشاخانه
چند سطر درباره «نوازنده‌ای که ماه را می‌نواخت» از این تبار نایاب بهر روز غریب‌پور

پرده اول
پیشگویی بخش بین‌الملل تئاتر فجر شاید بهتر باشد سحر سلطانی
هرچند تا سه، چهار سال گذشته بخش بین‌الملل به لحاظ کمی و کیفی کهرمق و کم‌رونق ظاهر می‌شد، امسال انکار اتفاقات شایسته‌ای در راه است و این پیشگویی با حضور ۱۶ نمایش از ۱۲ کشور دنیا در بخش «آثار تئاتر ملل» سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر قابل پیگیری است.در بین حاضران، نمایش «هملت» نوشته ویلیام شکسپیر و کارگردانی توماس اوستر مایر از آلمان را باید گزینه قابل‌تامل‌تر در نظر گرفت. شاید این به اعتبار جهانی توماس اوستر مایر برگردد که از چهره‌هایی است که تئاتر جهان او را می‌شناسد. این حضور به‌دلیل کم‌رنگ‌شدن حضور چهره‌های بنام تئاتر جهان در چند سال گذشته قابل تحسین است چون در نبودن چهره‌ها بخش بین‌الملل به بخشی باری‌به‌هرجهت تبدیل شده بود.از دیگر اتفاقات ناب حضور نمایشی از ژاین است به نام «باری سایه» نوشته و کار تاتسویا هاسه گاوا که حضور تئاتر مشرق‌زمین را باید به فال نیک گرفت که در یک قرن اخیر مرکز نقل و توجه تئاتر دنیا بوده است. در ایران ما هم بهتر از هر کسی بهرام بیضایی را اسم از بلژیک، «خانه‌ای از آسپ» نوشته الکس سرانو، پایالاسیوس، فران دوردال محصول کمپانی سنور سرائو از اسپانیا، «فاجعه» نوشته الکس سرانو، پایالاسیوس، دیگو آتیدو، مارتی سانچز فیلا محصول کمپانی سنور سرائو از اسپانیا، همچنین سه نمایش «دگرپرسی پروانه‌شدن»، «سربازها» و «سطح زنده» نوشته و کار صوفیا برسرزی از مجارستان، «پری‌گری نوس» نوشته و کار جرززی زون از لهستان، «هدا گابلر» نوشته هنریک ایبسن و کارگردم ماریانه رولاند از نروژ.همچنین حضور نمایش «من- مده» نوشته اورپیید و کارگردانی سالومه یوگلیدیزه از گرجستان می‌تواند نویدبخش حرکتی شایسته باشد، از این روی که تئاتر ایران نخست به دلیل حضور آخوندزاده در گرجستان تأثیرات اولیه را از آن دیار به ایران سوق داده است و این روبروینی می‌تواند قیاسی به اعتبار تجربه تاریخی در کشورمان باشد. عراق تئاتر ندارد؛ اما به دلیل دردهای مشترک و این روزهای اشغال‌شده‌شان از نروژ.تعمیل دردهای مضاعف از سوی تروریسم جهانی می‌تواند مورد توجه همه جهان و حتی ما که در همسایگی‌اش هستیم، باشد. نمایش «شیزوفرنی» نوشته و کار حسین یاسر‌العبادی از عراق در تئاتر فجر می‌تواند با علامت سؤال مواجه شود که آیا رنگ‌وبویی از این روزهای عراق دارد یا خیر؟! در این سال‌ها باب شده است که کارگردان‌های ایرانی با هنرمندان خارجی کارهای مشترکی را به تهران و تئاتر فجر آورده‌اند؛ البته امسال سه کارگردان نامی در این قضایه گام نهاده‌اند. نمایش‌های «رقص مرگ- بی‌الا» محصول مشترک ایران و آلمان نوشته و کار یاسر خاسب، «سپیدمند» محصول مشترک ایران و ترکیه نوشته و کار قطب‌الدین صادقی و «سلطان مار» محصول مشترک ایران و آذربایجان نوشته بهرام بیضایی و کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور می‌توانند بسترساز اتفاقات بهتر بین‌المللی و رشد چندجانبه تئاتر کشورمان باشد، اگر این مسیر به‌درستی تعریف و نمایان باشد.

روزنه آبی
به انگیزه دهمین دهه عکاسان احقاق حقوق مادی و معنوی ابر اهیم حسینی رئیس انجمن عکاسان تئاتر

بعد از ورود دوربین عکاسی به ایران، بسیاری از عکاسان، سالن‌های تاریک تئاتر را محلی برای ثبت هنر نمایش قرار دادند تا این‌هنر را که به‌لحاظ اجرایی پایدار نیست، ماندگار کنند؛ اما چون همواره این عمل از روی عشق و علاقه آنان به هنر عکاسی صورت می‌گرفت بدون دستمزد یا با نازل‌ترین میزان دستمزد انجام می‌گرفت.

این روند تا سال‌ها ادامه داشت تا با همت جمعی از عکاسان دلسوخته تئاتر پس از سال‌ها تلاش و ممارست در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۶ انجمن عکاسان خانه تئاتر شکل گرفت.

در این هشت سال گذشته، انجمن سعی کرده با فعالیت‌های فرهنگی - هنری خود، توانایی هنر عکاسی را به جامعه تئاتری عرضه کند و سپس در پی مطالبات صنفی و حقوقی خود گام بردارد.

در این راستا فعالیت‌های متعدد و متفاوتی را انجام داد از جمله:

- برگزاری نمایشگاه‌های متعدد عکاسی تئاتر در سطح ایران و تهران (راه‌اندازی مسابقه عکاسی تئاتر فجر از سالل ۱۳۷۸ تاکنون به‌طور مستمر و این درحالی است که تا پیش از تشکیل انجمن در ۲۷ دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تنها پنج مسابقه برگزار شده بود.

- مسابقات عکاسی با عناوین دیگر در جشنواره‌های متفاوت به همراه کتاب و ورکشاپ.

- برگزاری فتوکال‌های عکاسی برای هر نمایش، به‌طوری‌که در هر اجرا ۵۰ عکاس فعال تئاتر حضور دارند و حتی دراین‌میان رکورد ۴۵۰ عکاس در یک فتوکال را نیز داشته‌ایم.

با حسابی سرانگشتی اگر میزان تجهیزات هر عکاسی رقمی برابر ۲۰میلیون تومان داشته باشد، در فتوکال ۴۵۰ نفری این میزان به ۹میلیارد می‌رسد؛ یعنی یک سوم بودجه تئاتر کشور و این درحالی است که ازاین‌پای هیچ چیز عاید عکاس نمی‌شود.

از دستاوردهای دیگر و مهم انجمن، پرورش عکاسان حرفه‌ای تئاتر بوده است که نمود آن را در کیفیت عکس‌های این چند سال اخیر می‌توان مشاهده کرد؛ به‌طوری‌که آثار متخصصان و پژوهشگران انعکاسی و کارگردانان مطرح تئاتر کشور، عکاسی تئاتر این مرزوبوم را جز پنج کشور برتر دنیا می‌دانند و نباید از یاد برد که این تلاش‌ها و فعالیت‌ها نمی‌برند و بیشترین منفعت تنها نصیب مرکز هنرهای نمایشی کشور می‌شود و آیا مسئولان محترم تئاتری پس از گذشت این همه سال نباید برای احقاق حقوق مادی عکاسان قدمی بردارند؟!



از راست نگار عابدی، سیمیا تیرانداز و غزاله جزایری در بهمن/ عکس: مصطفی قاضی

همه بتوانند تئاتر کار کنند. همه نوع تئاتری داشته باشیم و همه مخاطب‌ها بتوانند از هر نوع تئاتری که دوست دارند استفاده بکنند. این فقط در گرو این است که افرادی که بالای سر ما هستند، کمی چارچوب‌هایی را که برای ما مشخص کرده‌اند، گسترده‌تر کنند و اجازه بدهند ما کارمان را انجام دهیم. کمی بودجه بیشتری به تئاتر تزریق شود. درحال‌حاضر مثل قارچ سالن به‌وجود آمده است؛ اما با کدام استاندارد و با کدام بودجه؟ هیچ چیز در آن وجود ندارد. من به «تئاتر برای همه» اعتقاد دارم؛ به‌شرطی‌که دیدگاه‌های مختلف در آن وجود داشته باشد. ما ممکن است تئاتری ببینیم که دوستش نداشته باشیم؛ اما حرفش را بفهمیم و به آن احترام می‌گذاریم در صورتی‌که من بینم چقدر از سویی همکاران خود بد و بیراه گفته می‌شود و جلوی چرخ آن نوع تئاتر را می‌گیرند. چرا؟ هرکسی حق دارد آن‌طور که دلش می‌خواهد حرفش را بزند، اگر دروغ در آن نباشد و صادقانه آن را از خود تراوش می‌کند چراکه نه؟ **یک نمایش را با یک گروه آلمانی کار کردید، آن‌طور تجربه‌ای دارید**

تجربه خوبی بود و اتفاقاً می‌خواهم بگویم که من بسیار فضای کارکردن در کارهای ایتالا پسپانی را شبیه به آن گروه دیدم. منفعت کارکردن با آن گروه این بود که حس کردم عزت نفس بیشتری باید در خودمان و در بازگیرگهیامان وجود داشته باشد. ما هیچ تفاوتی با آنها نداریم و تنها چیزی که در آنها هست، انضباط، تعهد کاری و عشق به این هنر است که بسیار مهم است وگرنه از نظر توانایی و هيجان ما چیزی کم نداریم؛ البته که آنها به این خاطر که تئاتر خصوصی دارند و حمایت‌هایی می‌شوند، در داشتن آن تئاتر خصوصی دست و بالشان بازتر است. امکانات بیشتری دارند و به لحاظ مالی دست بازتری دارند. همچنین انگیزه‌های بالاتر، همدلی زیاد، انضباطشان و زمانی که در خدمت یک پروژه هستند واقعا در خدمت آن هستند و اینها همه باعث می‌شوند که آنها موفق‌تر عمل بکنند. اینها برای من دریافت خوبی بودند. گاهی متأسفانه این قصور را در افراد گروه‌های خودمان می‌بینیم.

یک نمایش را با یک گروه آلمانی کار کردید، آن‌طور تجربه‌ای دارید

تجربه خوبی بود و اتفاقاً می‌خواهم بگویم که من بسیار فضای کارکردن در کارهای ایتالا پسپانی را شبیه به آن گروه دیدم. منفعت کارکردن با آن گروه این بود که حس کردم عزت نفس بیشتری باید در خودمان و در بازگیرگهیامان وجود داشته باشد. ما هیچ تفاوتی با آنها نداریم و تنها چیزی که در آنها هست، انضباط، تعهد کاری و عشق به این هنر است که بسیار مهم است وگرنه از نظر توانایی و هيجان ما چیزی کم نداریم؛ البته که آنها به این خاطر که تئاتر خصوصی دارند و حمایت‌هایی می‌شوند، در داشتن آن تئاتر خصوصی دست و بالشان بازتر است. امکانات بیشتری دارند و به لحاظ مالی دست بازتری دارند. همچنین انگیزه‌های بالاتر، همدلی زیاد، انضباطشان و زمانی که در خدمت یک پروژه هستند واقعا در خدمت آن هستند و اینها همه باعث می‌شوند که آنها موفق‌تر عمل بکنند. اینها برای من دریافت خوبی بودند. گاهی متأسفانه این قصور را در افراد گروه‌های خودمان می‌بینیم.

یک تجربه سربال «دودکش» با وجود عمومیت بیشتری که داشت چگونه بود؟

مسئلا حضور در کنار شخصی مانند حسین لطیفی و آن گروه و بچه‌هایی که از قدیم می‌شناختم و همگی بازیگرهای تئاتر بودند، دوست داشتنی بود؛ اما تمایل شخص من به کارهای جدی بیشتر است. به نظر من واجب و ضروری است که یک بازیگر به هر نوع بازی روی آورد؛ با اینکه علاقم بیشتر به سمت کارهای جدی است؛ اما کم‌دی‌های متفاوتی مانند «شعمدانی» به نسبت «دودکش» فانتزی‌های بیشتری دارد و اتفاقاً نقش‌های کم‌دی به من در این‌فیاض نقش‌های جدی‌تر کمک بسیاری کردند. در همین نمایش هم نقش من کمی کم‌دی است. من همه نوع نقشی را دوست دارم تجربه کنم و به این موضوع ایمان آورده‌ام که کم‌دی‌ترین نقش‌هایی که یک نفر بازی می‌کند، بیشتر به او در ایفای نقش‌های جدی کمک می‌کند و این شاید به دلیل ریتم سریع و وجود پاساژهایی است که به سرعت باید در هر قبیل نقش‌ها عوض شوند و به اندازه‌ای نقش کم‌دی را درآوردن مشکل است که اگر کسی موفق به انجام آن شود، بسیار راحت‌تر می‌تواند به فضاهای ترازدیک دست پیدا کند و این یک تمرین ذهنی است.

شنیده‌ها حاکی از آن است که سربال «دودکش» دوباره در حال تولید است، راجع به این پروژه کمی توضیح دهید....

من قرارداد بسته‌ام و نیز همه دوستان درحال بستن قرارداد هستند. امید است که بین ۱۵ تا ۲۰ دی کلید بخورد. شخصا انگیزه بسیاری برای این سربال دارم. دوست دارم هرآنچه را که در توانم هست برای پیشرفت این قسمت نسبت به قسمت قبل بگذارم.



گفت‌وگو با نگار عابدی، بازیگر

صحنه، بی‌رحم است

رضا آشفته - نایبریکا امینی

نکنم، نفس تئاتر را نمی‌توانم کنار بگذارم. **بسیاری از ستارگان سینما بر این باورند که نمی‌توانند تئاتر بازی کنند، درصورتی‌که خاستگاه اولیه بسیاری از آنها تئاتر بوده. می‌خواهیم نظر شما را دراین‌باره بدانم.**

بستگی به این دارد که ما به این حرفه چگونه نگاه کنیم و از آن، چه چیزی بخواهیم. شاید افرادی که از ابتدا دیدگاهشان چیز دیگری بوده به‌عنوان مثال شهرت، یا اینکه تا چه اندازه برد خیری داشته باشند و تا چه اندازه از لحاظ تجاری و هنری دارای شهرت بشوند یا اینکه تا چه حد بتوانند از این حرفه، پول دربیارند و به‌صورت تجارت به آن نگاه کنند یا حتی اگر شکل هنری داشته باشد تا چه اندازه به آن هنر و مدیوم علاقه‌مند هستند، بستگی دارد که چطور به آن نگاه کنند که البته من ابتدا این موضوع را ارزش‌گذاری نمی‌کنم. این یک سلیقه و یک نگاه است که در نوع خود یک ارزش محسوب می‌شود. به این لحاظ که اگر کسی از آن لذت ببرد، آن لذت ترس‌ها را از بین می‌برد. لذت استعداد و خلاقیت می‌آورد. امروزه ثابت شده است آن چیزی که ما اسم آن را استعداد می‌گذاریم، آن چیزی نیست که از روز ازل در ما گذاشته شده و کاری نمی‌شود با آن کرد. آن درواقع اشتیاق و علاقه ما با توجه به پذیرش توانایی‌هایی که در ما وجود دارد است. بنابراین خواستن آدم‌ها توانایی را در آنها به وجود می‌آورد. شاید عده‌ای حوصله درگیرشدن با یک پروژه را نداشته باشند. اگرچه واقعا متأسفم که تئاتر نیز از شکل ایده‌آل خود خارج شده است و پروژه‌ها به‌سرعت می‌خواهند تمرین را تمام کرده و به اجرا برسند. آن شکل اولیه عوض شده و شرایط روز این را می‌طلبد؛ اما باز همه چیزی به اسم تمرین و یکی‌شدن با ایده کلی یک نمایش، نزدیک شدن به فکر شخص کارگردان و نویسنده وجود دارد. به نظر من خواستن آدم‌هاست که این را به‌وجود می‌آورد.

«بهنم» چیست

«بهنم» یک نمایش مستدوار راجع به پشت‌صحنه تئاتر است و من در آن نقش یکی از بازیگرهایی را که قرار است در جشنواره فجر نمایشی را بازی کند، بازی می‌کنم. در این نمایش به مشکلات پشت‌صحنه گروه‌های تئاتری در روزهای اجرایی جشنواره پرداخته می‌شود.

شما سابقا با خانم فروزند کار کرده‌اید. در چه کارهایی با ایشان همکاری داشتید؟

من در کار «دوی زمین» در سال ۸۲ و در همین سالن برای ایشان در اجرای **«بهنم»** همکاری داشتم.

شما سابقا با خانم فروزند کار کرده‌اید. در چه کارهایی با ایشان همکاری داشتید؟

من در کار «دوی زمین» در سال ۸۲ و در همین سالن برای ایشان در اجرای **«بهنم»** همکاری داشتم.

به‌غیراز اینکه در قشر تئاتری‌ها، تماشای نمایش بهمن ایجاد همدردی می‌کند، فکر می‌کنید که تماشای آن اصلا در رفع معضلات تئاتر تأثیری خواهد داشت؟

پاسخ‌دادن به این سؤال بسیار دشوار است. به‌این‌دلیل که خیلی‌ها تلاش‌های از این بزرگ‌تر کرده‌اند، تلاش‌های مستقیم و حتی به‌طور مشخص نهاده‌ا و ارگان‌ها را با فعالیت‌های خودشان مورد خطاب قرار داده‌اند؛ ولی در عمل نتوانسته‌اند تغییری به‌وجود بیاورند. این نمایش که یک کار فرهنگی است و هیچ‌وقت هم نشده که یک عده از سالن تئاتر بیرون بیایند و یک نمایش را ببینند و همان موقع که بیرون می‌روند مشت‌ها را گره کرده و اعتراض کنند؛ اما به لحاظ تفکر و به لحاظ اینکه شاید فکری را در افراد ایجاد بکند، اینگونه فعالیت‌ها شاید به مرور بتوانند در اندیشه آدم‌ها تفاوتی به‌وجود بیاورند. شاید مؤثر باشد؛ اما من این موضوع را سخت و بعید می‌دانم. یک نمایش در یک سالن مگر تا چه اندازه

متأسفم که من روی تئاتر نمی‌توانم به‌عنوان یک منبع درآمد جدی حساب کنم، در شرایطی که ما داریم، روی پول تئاتر نمی‌شود حساب کرد. به‌زعم من روی بازی در تئاتر برای تازه‌ماندن در این کار و تمرین به‌منظور درجازدن، می‌شود حساب کرد. آن دلیلی که من به‌خاطرش به بازیگری روی آوردم اگر هنوز در من باقی مانده باشد، ارزش‌های حرفی برای گفتن داشتم، به سمت هنر رفتن، آزاداندیشه‌بودن، بیان و دیدگاهی داشتن و آن دیدگاه را به نحوی به مخاطب عرضه‌کردن است. اینها مسائلی هستند که من را از لحاظ روحی راضی کرده است و برای سیراب‌کردن روحم با تمام این مشکلاتی که باعث شد در دو سال گذشته به این نتیجه برسم که به‌هیچ‌وجه در جشنواره تئاتر فجر شرکت

متأسفم که من روی تئاتر نمی‌توانم به‌عنوان یک منبع درآمد جدی حساب کنم، در شرایطی که ما داریم، روی پول تئاتر نمی‌شود حساب کرد. به‌زعم من روی بازی در تئاتر برای تازه‌ماندن در این کار و تمرین به‌منظور درجازدن، می‌شود حساب کرد. آن دلیلی که من به‌خاطرش به بازیگری روی آوردم اگر هنوز در من باقی مانده باشد، ارزش‌های حرفی برای گفتن داشتم، به سمت هنر رفتن، آزاداندیشه‌بودن، بیان و دیدگاهی داشتن و آن دیدگاه را به نحوی به مخاطب عرضه‌کردن است. اینها مسائلی هستند که من را از لحاظ روحی راضی کرده است و برای سیراب‌کردن روحم با تمام این مشکلاتی که باعث شد در دو سال گذشته به این نتیجه برسم که به‌هیچ‌وجه در جشنواره تئاتر فجر شرکت